

واکاوی مطالبات اخیر در میزگرد «ایران» با حضور علیرضا شجاعی زند و نعمت‌الله فاضلی

اراده‌هایی برای گفتن و شنیدن

راه‌اندازی «خانه ملی گفت‌وگوی آزاد» چطور می‌تواند «مطالبات اجتماعی» را به نتیجه برساند؟

مهسا رضانی

راه‌اندازی «خانه ملی گفت‌وگوی آزاد» در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد که می‌تواند گامی مؤثر برای بازسازی «امید اجتماعی» و قدمی در جهت به نتیجه رسیدن «مطالبات اجتماعی» باشد. هرچند برخی بر این باورند بیش از آنکه «ناگفته‌ها» در کار باشد پای «شنیدن‌ها» وسط است و ناآرامی‌های اخیر را نتیجه انباشت مطالبات مردم و شنیده نشدن آنها در دوره‌های گذشته ارزیابی می‌کنند. این امر در میزگردی با حضور دکتر علیرضا شجاعی زند، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت

مدرس و دکتر نعمت‌الله فاضلی، انسان‌شناس و رئیس سابق پژوهشکده مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی به بحث گذاشتیم و پرسیدیم «گفت‌مان مطالبه‌گری» در کشور ما از چه ضعف‌ها و آسیب‌هایی رنج می‌برد؟ مواجهه کارگزاران با اعتراضات اجتماعی چه سازگاری باید داشته باشد؟ چقدر کثرت‌گرایی و رویکردهای متفاوت فرهنگی – اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شوند؟ سامان سیاسی چقدر پزیرای نگاه‌های نقادانه است؟ و شکل‌گیری «خانه ملی گفت‌وگوی آزاد» چه راهروادی برای ما خواهد داشت؟ آنچه می‌خوانید پاسخ اسانید به این پرسش‌ها است.

نمی‌کند، وقتی که تفکیک نهادی پذیرفته نمی‌شود و مرزهای میان اقتصاد، دانشگاه، آموزش و سیاست دائماً نقض می‌شود و استقلال نهادی به رسمیت شناخته نشده و تشدید هم می‌شود، اینجا است که مسائل انباشته شده ما را به سمت «مسأله شدن ایران» پیش می‌برد.

اگر سازگاری و انطباق نظام سیاسی با واقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به طور سیستماتیک انجام می‌شد به عنوان مثال آزادی آکادمیک بیشتر شده می‌شد، مشارکت سیاسی مردم افزایش پیدا می‌کرد، احزاب شکل واقعی‌تری پیدا می‌کردند، بحران‌های زیست‌محیطی کاهش پیدا می‌کرد، اقتصاد روند رو به بهبودی می‌داشت و جامعه زنان، جوانان، اقلیت‌های مذهبی و قومی افق روشنی را برای خود متصور می‌شدند آنگاه حل «مسائل ایران» را می‌پاا رو داشتیم نه «مسأله شدن ایران» یا «مسئله ایران» است. مطالبه‌گری درست عمل نمی‌کند، رسانه‌ها و ساختار فرهنگ و سیاست به «کنترگرایی» پایبند نیستند و تنها گروه خاصی را نمایندگی می‌کنند و از طرف دیگر با ناکارآمدی‌هایی هم مواجه هستیم، اینجا است که «مسأله ایران» شکل می‌گیرد. البته منکر دخالت عوامل جهانی در شکل‌گیری این امر نیستیم. اما می‌خواهیم از شما بپرسیم که چرا اساساً «مسأله ایران» شکل گرفت؟

شجاعی زند: عذر کردم که مطالبه‌گری در دو سطح «مسائل ایران» و «مسأله ایران» متفاوت است و هر یک مقتضیاتی

شجاعی زند: باید به «اقتضائات

حیات اجتماعی» که نیازمند

میزانی از وحدت و هویت

انجام‌بخش است، توجه کرد.

برخی از محدودیت‌های مربوط

به سبک زندگی، ناشی از زندگی

اجتماعی است. اختصاص به

ما هم ندارد؛ در همه جوامع،

حتی در جوامع غربی نیز حاکم

است. شما حق دارید که در عرصه

خصوصی تان کاملاً به سبک

و سیاقی که مایلید رفتار کنید

اما وقتی به «حیات اجتماعی

بزرگ‌تر» پا می‌گذارید، دیگر

نمی‌توانید به روال شخصی خود

عمل کنید

دارند و نمی‌توان در هر دو زمین به نحو همزمان بازی کرد.

فاضلی: معتقدم اکنون «مسأله ایران» به شکل پررنگ‌تری در حوزه عمومی مطرح می‌شود و راه مواجهه با مطالبات جدید این است که «چرخش گفت‌مانی» در نظام سیاسی صورت گیرد. در چرخش گفت‌مانی چند اتفاق باید رخ دهد و یکی از مهم‌ترین آنها «کنترگرایی» و «پذیرش تفاوت‌ها» است. تفاوت‌های قومیتی، فرهنگی، زبان جوانان و... به رسمیت شناخته شوند و معنای آن، این است که در سیاست‌های آموزشی، فرهنگی، رفاهی تجدیدنظری صورت گیرد و ناکارآمدی‌ها حل‌شده. می‌خواهم بگویم نگاه‌های انتقادی و اعتراضی در جنبش‌های گذشته، در دیالوگی سازنده با حاکمیت قرار نگرفت یا گوش شنوایی نبود تا تغییراتی را به طور سیستماتیک اعمال کند. وقتی مشارکت سیاسی همچنان پایین است، وقتی زندگی عادی مردم روان نشده، وقتی مطالبات پیش‌فرض رویکرد مصلحانه این است که چیزی وجود دارد که شریف و ارزشمند است؛ چیزی که باید مجدداً آن را صیانت کرد تا

یکشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۱

سال بیست و هشتم

شماره ۲۷ ۸۰



حسین شجعی زند، ایران

زنان از هیچ امکانی در حوزه‌های تحصیلی، اشتغال و... برخوردار نبوده‌اند؛ اما آن چیزی که باعث می‌شود تا زنان در این جنبش برجسته شوند، به نقاط حساسی از زندگی شان برمی‌گردد که توسط حاکمیت مورد مداخله قرار گرفته است. به همین دلیل معتقدم مطالبه «زن، زندگی، آزادی» اهمیت دارند. اینها همگی «طریقیّت» هستند؛ چرا؟ چون فرصتی را فراهم می‌آورند برای رفتن به سوی یک جنبش فراگیر. می‌خواهم بگویم اگر تعیین تکلیف نکنیم که در کجا ایستاده‌ایم و مطالبات ما از چه سنخ‌ی است، انتظارات و توقع ما از اعتراضات هم عوض می‌شود. اعتراض را دیگر به مثابه «موضوعی» که باید بدان توجه کرد و روی آن کار کرد و زمینه‌های آن را برطرف کرد، نمی‌بینیم؛ اینها «طریقیّت» پیدا می‌کنند برای منظورهای دیگر. **فاضلی:** آقای دکتر، هم من و هم شما باید نسبت به «واقعیت» متعهد باشیم. فقط این نیست که دستگاه‌های مفهومی خلق کنیم و برآیند نهایی گفت‌وگو در این دستگاه مفهومی این باشد که اتفاقی نیفتاده و سیستم کارش را درست انجام می‌دهد. شیوه سخن شما همان شیوه‌ای است که در گفت‌مان رسمی هم وجود دارد. شما «صداها» و «مسأله‌ها» را به حاشیه می‌برید و سعی می‌کنید با ارائه تصویری بزرگ‌تر، معترضان را معاندین جمهوری اسلامی جلوه دهید که قصدشان نبوده کردن حکومت است. این بدیهی است که انقلاب از ابتدا مخالفانی داشته و همچنان نیز دارد. موضع من توضیح ساز کار مخالفان نیست. در مقام یک دانشجوی که در ایران زندگی می‌کنم، حرف می‌زنم و معتقدم در یک روند تدریجی تاریخی لایه‌های متعدد جنبش‌ها و اعتراضات شکل گرفته‌اند ولی متناسب با مطالباتی که در جریان این اعتراضات طرح شده، تغییراتی در گفت‌مان رسمی صورت نگرفته است و پاسخ مکفی به مطالبات داده نشده است.

پیش‌تر به گفت‌مان سیاست تفاوت و

تحقیر اشاره کردم. وقتی ما یک سیستم

فهرست‌نویس درست می‌کنیم و به طور

سیستماتیک از افراد درخصوص اعتقادات

شخصی و زندگی خصوصی‌شان سؤال

می‌کنیم آشکارا به تحقیر اجتماعی افراد

می‌پردازیم. برای شما ای نوعی که صدرصد

با سیستم جهانی و فرهنگ غنی و تاریخی خود

اما برای کسی که متفاوت است یا حتی کسی

که لزومی نمی‌بیند که حکومتی در مورد

زندگی خصوصی‌اش کنجکاو می‌کند، تحقیر

محسوب می‌شود. معتقدم آرمان «زن،

زندگی، آزادی» صرف‌نظر از پیشینه‌ای که

دارد یک آرمان اجتماعی و فرهنگی است

که از درون تحولات جامعه بیرون آمده و

اگر می‌خواستیم مطالباتی را که دل‌دل این

تحولات شکل گرفته‌اند با مفاهیم دیگری

صورت‌بندی کنیم، باز به همین محتواها

می‌رسیدیم.

پذیریم که تحولاتی در سطح جامعه

ایران رخ داده و پژوهش‌های پیمایشی

کیفی هم در ایران نشان می‌دهد که

ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه

در فرایندی تدریجی تغییر کرده‌اند و نیاز

بر آن است. عجیب است که شما از آن با

عنوان «جنبش فرهنگی» یاد می‌کنید.

کسانی پیش‌تر گفته‌اند که «اعتراضات،

هسته جنبش است». بر این اساس،

اعتراضات بهانه است و قرار است با

فضاسازی در اطراف آن، جمعیت بیشتری

را به کف خیابان آورد و سطح خواسته‌ها

اینجاست که چرا گرایش و تقلید از فرهنگ

مسلط غربی را که دل برخی از جوانان ما را

برده، مصادفی از «خود بودن» می‌پندارید؟

چرا «خود بودن» را صرفاً در مخالفت با

جمهوری اسلامی تعریف می‌کنید و به

خاستگاه و عقبه آنکه «گفت‌مان مدرن»

و تقلید از فرهنگ غربی است، توجهی

ندارید؟

فاضلی: منظرم این است که باید اجازه

دهیم که مردم در «دایره حقیقت» زندگی

کنند. اکنون بسیاری در «دایره کتمان»

زندگی می‌کنند؛ نوع پوشش، سبک زندگی،

سلیقه موسیقایی و... خود را کتمان می‌کنند.

شجاعی زند: چه کتمانی؟! اکنون یک

رسانه دولتی از شما خواسته که بیاید و

حرف‌تان را بزنید و خودتان باشید. اگر بنا

بر کتمان بود، دیگر نیازی به نشان‌دن بنده

و شما در مقابل هم نبود. «خود بودن»

مورد نظر شما را هم می‌شود کمابیش در

کف خیابان مشاهده کرد؛ انواع تیپ‌ها و

سبک‌های پوشش و انواع سبک‌های زندگی

و انواع سلاقی و پسند و ناپسندها در جامعه

ما وجود دارد. در عین حال حسب اقتضائات

حاکم بر زندگی جمعی، چهارچوبی دارد و

حدی بر آن مترتب شده است.

فاضلی: اگر روند رسمی ما این «خود

بودن» را همراه با «به حاشیه راندن» تَخُلُّ

می‌کند. شاید بتوان برآمدن شعار «زن،

زندگی، آزادی» در اعتراضات اخیر را هم در

همین راستا تفسیر کرد.

شجاعی زند: اگر اعتراضات را تنها به

این شعار فروبکاهید، به کل این جریان

اهانت کرده‌اید و مسائل و مطالبات آن را به

اهداف تجزیه‌طلبانه یک گروه خاص تقلیل

داده‌اید. برخلاف شما که اصرار دارید با

استاد به این قبیل نشانه‌ها، به آشوب‌ها

و اخیر وجهت «فرهنگی» بدهید و از آن با

عنوان «جنبش» یاد کنید؛ معتقدم این

حرکت‌ها نه با مشخصه‌های یک «جنبش

استنباط می‌کنم این است که شما، هنوز

درگیر «مسائل ایران» هستید و به مرحله

«مسأله دیدن ایران» نرسیده‌اید. چون

به دنبال راه‌حل هستید؛ حتی آنجا که از

«چرخش گفت‌مانی» برای حل مسائل

حرف می‌زنید هم، درگیر «مسائل ایران»

هستید. وقتی کسی در مسأله‌ای غور می‌کند

و جوانب را می‌شنکافد و راه‌حل‌هایی ارائه

می‌دهد و تلاش می‌کند آنها را به گوش

کارگزاران و سیاستگذاران برساند، نشان

می‌دهد که درگیر «مسائل ایران» است.

جمهوری اسلامی نیز اتفاقاً به چنین

دانشگاهیانی نیاز دارد که مسائل آن را که

فهرست بلندبالایی هم دارد، واکاوی کنند

و بکشند ولو یک مسأله را حل کنند و سعی

کنند تا بر سیاستگذاران تأثیر بگذارند. البته

گروهی هم هستند که اساساً به دنبال مسأله

و حل مسائل نیستند؛ بلکه با فضاسازی و

بزرگنمایی می‌خواهند مردم و مسئولان را

به این نتیجه برسانند که نه تنها این نظام

از پس حل مسائش بر نمی‌آید، بلکه خود،

یک مسأله لاینحل است.

فاضلی: مطالبه‌گری در جامعه امروز

و فردای ما وقتی امکان‌پذیر است که

«چرخش گفت‌مانی» بوجود آید.

شجاعی زند: در چهار دهه از عمر

جمهوری اسلامی در ایران، چند گفت‌مان بر

مسند قدرت نشسته‌اند. پس چطور از فقدان

چرخش گفت‌مانی حرف می‌زنید؟ مگر اینکه

منظورتان چیزی فراتر از این باشد.

فاضلی: هر وقت که جامعه احساس کند

مجبور نیست در «دایره دروغ» زندگی کند،

چرخش گفت‌مانی محقق شده است. منظور

از زندگی در «دایره دروغ» این است که

«خود بودن» به رسمیت شناخته نمی‌شود؛

سلیقه موسیقایی، سلیقه زیبایی‌شناختی،

سلیقه مدیریت بدن و... افراد متفاوت

جامعه به رسمیت شناخته نمی‌شود.

شجاعی زند: «خود بودن» خواسته

بسیار نیک و بجایی است. انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی هم اتفاقاً در مسیر همین

^[1] راه‌اندازی «خانه ملی گفت‌وگوی آزاد» در شورای عالی انقلاب

^[2] راه‌اندازی «خانه ملی گفت‌وگوی آزاد» در شورای عالی انقلاب